

هو الله تعالى شأنه الفضل و العدل و انه لهو المستعان و عليه التكلان

سبحانك اللهم يا الهى انت تعلم بانى ما اردت فى ذكر الآ ذكرك و فى توجهى الى جهة الآ جهة فضلك و مواهبك و ما اردت الآ ما اردته لعبادك و خلقك و ما قصدت فيما امرتنى الآ نعتك و ثنائك و ما شئت الآ ما شئته بقضائك و ما تفوهت الآ ما امرتنى به بين عبادك و بريتك و ما ارسلت الى احد كتاباً الآ و قد اردت به حفظ خلقك و صيانة عبادك والآ انى فونفسك العلى الاعلى ما قصدت فى امر نفسى ما اريد حفظها فى مملكتك و انفتحتها فى سبيلك و اعلاء كلمتك و انت تعلم يا الهى ما ورد على عبادك و انى ما اردت فى شأن الآ ظهورك بين عبادك و اقتدارك بين بريتك اى رب انت تعلم بان السبل كلها انقطعت و البلايا فى كل الجهات احاطت قد ورد على احبائك ما لا ورد على احد من قبل كم من رؤس ارتفعت على القناة فى سبيلك و كم من صدور تشبكت من السهام فى حبك و كم من دمآء سفكت فى ارضك و كم من اخت ناحت فى فراق اخيها و كم من اب ضج لقتل ابنه و كم من رضيع انقطع عن ثدى امه كل ذلك ورد على هؤلاء المظلومين بعد الذى كلهم اقرؤا بوحدانيتك و اعترفوا بفرديتيتك اى رب استلك باسمائك الحسنى و كلمتك التامة العليا بان تنصر هؤلاء المظلومين ثم ادخلهم فى حصن حمايتك لئلا يقدر احد ان يظلم عليهم و يأخذهم بالاعتساف و انك انت المقتدر العزيز المستعان

عرض اين بنده آنكه بيست و پنج سنه ميشود كه جمعى از عباد شى نياسوده‌اند و آنى مستريح نبوده‌اند لا زال بسطوت غضب مبتلا و بشئون قهر معذب بسا از اطفال كه بى پدر مانده‌اند و بسا از آبا كه بى فرزند شده‌اند چه مقدار از امهات كه در فراق ابناء خود گريسته‌اند و چه مقدار از اطفال كه از فقدان امهات نوحه و ندبه نموده‌اند و چه مقدار از رضيع كه شريت شهادت نوشيده‌اند نه بر رجال ترحم نمودند و نه بر نسا بسا از ليالى كه جميع وحوش و طيور در ايكات خود آسوده و آرميده‌اند و اين عباد در وحشت و اضطراب مقرر امنى نيافته‌اند و مقام امانى نجسته‌اند چه بسيار از رجال كه در شب صاحب غنا و ثروت بوده و در صبح بكمال فقر و ذلت مشاهده شده چه كه مالش بتاراج رفت و اسباب زندگانيش بيغما ارضى نمانده مگر آنكه خون اين مظلومان بر او ريخته شده و محلى نمانده مگر آنكه مشهد اين بى‌معينان گشته چه مقدار از نسا را كه اسير نموده ديار بديار و شهر بشهر برده‌اند و چه مقدار از رجال را كه بمبلغى فروختند و چه مقدار از نفوس كه سر بصحرا گذاشته و معلوم نيست كه بكجا رفته‌اند و چه مقدار كه الان محبوسند ناله‌هاى اين مظلومان در كل ليالى و انهار مرتفع و صريخ اين اسيران در كل احيان مسموع و جميع اين امور من غير جرم واقع شده

دو كلمه‌ئى از لسان مبارک شاهنشاه زمان بسمع مظلومان رسيد كه فى الحقيقه ملك كلامست و شبه آن از هيچ سلطانى استماع نشده كلمه اول در جواب دولت روس در وقتيكه از سبب و علت محاربه سؤال نموده بود فرموده بودند كه فرياد مظلومانيكه در بحر اسود من غير جرم و گناه غرق شده‌اند در سحرگاه ما را از خواب بيدار نمود لذا بمحاربه قيام شد و اين مظلومان مظلوم‌تر و درمانده‌ترند چه كه بلايى آن نفوس در يومى بوده و زرايى اين عباد در بيست و پنج سنه كه در كل حين بيلاي ميين مبتلا بوده‌ايم و كلمه محكمه ديگر كه فى الحقيقه كلمه بديعى بود كه در امكان ظاهر گشت و آن اين بوده كه بر ماست دادخواهى مظلومان و فريادرسى واماندگان صيت عدل و داد سلطان جمع كثيريرا اميدوار نموده تفقد حال مظلومان از شيم سلطان جهانست و توجه باحوال ضعيفان از خصلت مليك زمان حال مظلومى در ارض شبه اين مظلومان نبوده و نيست و ضعيفى نظير اين آوارگان مشهود نه چه كه كل ذى روح از انسان و حيوان و وحش و طير جميع در مهد امن و امان مستريح مگر اين ضعيفان كه در هر ساعت و آن بسلاسل قهر بسته شده‌اند و باغلال غضب و بطش مبتلا ديگر طاقت اين عباد تمام شد و صبر و اضطبار از صدر و دل منقطع گشت خواهش اين عباد آنكه نظر مرحمتى فرمايند تا جميع در ظل حمايت سلطان ساكن و مستريح شوند

این سند از [کتابخانه مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۲۲ مه ۲۰۲۴، ساعت ۶:۰۰ بعد از ظهر